

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت گزارشگران
۳۰ نومبر ۲۰۱۷

از مصاحبه های کارگری گزارشگران
جنبش کارگری در ایران: ضعف ها و قوت ها
مصاحبه با ک. الوند



از نظر من منافع گروه ها و سازمان ها و احزابی که در خارج از جنبش کارگری شکل گرفتند و خود را نماینده کارگران می دانند و برای محق بودن میزان نمایندگی کارگران با هم در جدال هستند هیچ ارتباطی به جنبش کارگری ندارد .

البته دفاع از حقوق کارگران در خارج از این جنبش هیچ اشکالی ندارد با این مضمون که در روند سازمانی آنها اخلاقی ایجاد نکنند. دوران این نوع بحث ها که آگاهی را از بیرون به دورن طبقه کارگر باید برد سپری شده و ارزش و اعتبار خود را از دست داده است. یا ادعا های فاقد ارزش و معیارهای علمی و ضد متدلوزی مارکسی که برای طبقه کارگر باید حزب انقلابی ساخت

دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این مصاحبه هاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالان کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است.

موج اعتراضات کارگری به بی عدالتی های موجود سالهاست به شکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان می کند و فضای خبری و رسانه ئی را به خود تعلق می دهد. زنجیر فقر و ستم نظام

سرمایه داری برپایشان و بار گران تورم و هزینه های زندگی روزمره را بر گرده خویش می کشند. ظلم و تعدی و بی حرمتی به آنان از سوی مسئولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی عدالتی ها را می کشند. شلاق می زنند به زندان می افکنند. شکنجه می کنند. اسیران زندانی را می کشند. محکوم به مرگ خاموش می کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه زده داخل کشور بندرت به گوش کسی می رسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی اعتنائی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه می تواند باشد؟ هم از اینرو با فعالان کارگری و سیاسی مصاحبه می کنیم.

ک - الوند فعال سیاسی

گزارشگران: طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هر روزه بخشی از این وقایع در محیط های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست؟

ک - الوند: جنبش کارگری در ایران با دو بربریت اجتماعی روبه رو است از یک طرف با بربریت سرمایه داری نئولیبرالی و از طرف دیگر با بربریت حاکمیت اسلامی که بربریت اقتصاد نئولیبرالی را به شکل مافیائی نمایندگی می کند.

میزان توانمندی کارگران در تقابل با سیاست های اقتصادی حاکمیتی که هرگونه مطالبات کارگران را با سرکوب، زندان، شکنجه، جوخه های مرگ پاسخ می دهد تنها راه حل اصولی و منطقی ایجاد نهاد های مستقل کارگری برای مبارزه سازمانیافته و فراگیر جهت به هم زدن توازن قدرت بین کارگران و حاکمیت است. به هم زدن توازن قدرت بدون سازمان یافتگی کارگران و سایر جنبش های اجتماعی نتایج ملموس و تأثیر گذاری نخواهد داشت و مبارزات کارگری به مبارزه غیر پیگیر تبدیل می شود.

مبارزات جنبش کارگری یک مبارزه مداوم در جهت رسیدن مطالبات کوتاه مدت و دراز مدت است اگرچه تاریخ مبارزات و اعتصابات کارگران از بدو به قدرت رسیدن نظام جنایتکار اسلامی نگاه کنید، مشاهده خواهید نمود که بخش وسیعی از این مبارزات خود جوش و مقطعی و محدود به یک خواست و در محدوده یک بنگاه تولیدی یا یک صنعت معین بوده است و هیچ حمایت عملی از طرف بخشهای دیگر جنبش کارگری در همیاری و همبستگی با همکاران خود هم زمان صورت نگرفته است. به استثنای مبارزات سازمان یافته کارگران سندیکای اتوبوس رانی که به ابعاد گسترده رسانه ئی شد زیرا نسبت به بخش های دیگر مبارزات کارگران سازمان یافته و با برنامه دست به مبارزه و اعتصاب برای تحقق مطالبات خود زدند و توانستند حاکمیت را زیر فشار قرار دهند.

دلایل عدم سازمان یافتگی مبارزات کارگران ریشه در هر شرایط اجتماعی و طبقاتی داشته است. بحث بر سر منافع و قدرت است. هرچقدر یک جنبش اجتماعی در کشاکش قدرت یا در به هم زدن تعادل قدرت جهت پیشبرد منافع اجتماعی خود سازمان یافته تر باشد در پروسه مبارزه می تواند در تنظیم بالانس قدرت برای حفظ منافعش نقش کلیدی تری ایفا کند.

در این راستا جنبش کارگری نتوانست از تجربه مبارزات مقطعی عبور کند و گام به سوی سازماندهی سازمان های سراسری حرکات خود نهد و این کوتاهی زمینه ای شد تا رژیم از ضعف جنبش کارگری با فرصت طلبی و قیحانه

استفاده کند و برای به انحراف کشاندن خواست و مطالبات کارگران انواع و اقسام نهادهای کارگری را در محیط های کار بر کارگران تحمیل کند و مانع شود که کارگران دست به خود سازماندهی بزنند.

رژیم با استفاده از این ضعف جنبش کارگری توانست با تدوین و تصویب قوانین ارتجاعی اقتصادی فشار مضاعف بر کارگران وارد و حقوق آنها را در ابعاد گسترده پایمال کند حتی حقوق عقب افتاده آنها را نپردازد. چرا که از وضعیت و اهمیت عدم سازمان یافتگی و نداشتن یک تشکیلات سراسری کارگری برای مقابله با تهدید و شکنجه، زندان، پیشروان جنبش کارگری آگاه است. فقدان یک تشکل سراسری کارگری صدمات جبران ناپذیری به منافع جنبش کارگران وارد نمود.

پر واضح است مهمترین ضعف جنبش کارگری در ایران با توجه به ابعاد بربریت ماشین سرکوب رژیم که ضد هر گونه خواست های انسانی در راستای مطالبات اقتصادی و سیاسی است خصوصاً در رابطه با خواست های جنبش کارگری همانا عدم سازمان یافتگی سراسری تمام گرایش های کارگری در یک تشکیلات سراسری است. فاکتور دیگری که جنبش کارگری ایران را در موقعیت ضعیف تری در تقابل با قدرت سرکوب رژیم قرار داد سیالیت سرمایه در ایران است که در روند خود همین شرایط سیال را بر جنبش کارگری تحمیل کرد و در نتیجه به روند سازمان یافتگی جنبش کارگری آسیب رساند.

گزارشگران: فعالان کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهور اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت به قتل رسیدند. امروزه نیز رضا شهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت تمرکز نمودن مسئولان جمهوری اسلامی بر آنها چیست؟

ک - الوند: بدون تردید هر گونه اخلالی در ساختار تقسیم منافع ثروت در مافیای حاکمیت اسلامی از طرف هر گرایش یا جنبش اجتماعی ایجاد شود به شدید ترین شکلی از همه ابزارهای سرکوب برای مقابله با آنها استفاده خواهد کرد.

جمهوری اسلامی تاب و تحمل ساختارشکنی را ندارد و برای بقای خود با هرگونه سازماندهی اجتماعی مستقل از چارچوب های دستگاه حکومتی به هر شکلی و با هر محتوایی برخورد خشن و ضد انسانی می کند. حاکمیت، دشمن قسم خورده سازمان یافتگی در خارج از چارچوب مافیای قدرت است و هرگونه تلاش برای ایجاد نهادهای اجتماعی از طرف هر گرایش اجتماعی را با بربریت پاسخ میدهد و در این راستا تابع هیچگونه قانونی نیست. سازمان یافتگی از دید حاکمیت به معنی تعرض به حریم قدرت است.

محمود صالحی ها، رضا شهابی ها، شاهرخ زمانی ها، کورش بخشنده ها، و هزاران فعال جنبش کارگری، و جنبش های اجتماعی دیگر به عنوان یک تهدید برای بقای جنایتکاران مافیائی محسوب می شوند.

هر اقدامی برای ساختن سازمان های مستقل کارگری در تقابل و ضدیت با اتوریته حاکمیت است و این عمل از منظر رژیم یعنی ساختار شکنی و تعرض به قدرت مطلقه مافیای حکومتی و در نهایت به خطر انداختن منافع اقتصادی و به هم زدن تعادل قدرت است.

شقاوت و شکنجه این مبارزان و آزار اذیت خانواده ها و ایجاد محدودیت در زندگی روزانه برای آنها نشانگر میزان دشمنی و ددمنشی رژیم و ترس از خواستهای این فعالان کارگری است. آنها از همه ابزارهای سرکوب استفاده می کنند

تا مانع از تلاش کارگران برای ایجاد یک نهاد سازمانیافته جهت رسیدن به مطالبات خود و تحقق خواست های کارگران شوند که در خارج از دستگاه مافیای حکومتی پی ریزی کنند.

رژیم از سازمان یافتن کارگران و سایر جنبشهای اجتماعی هراسان است و کارگران و نمایندگان آنها تنها راه مبارزه علیه بربریت حکومت را ایجاد نهاد های مستقل کارگری می دانند. با توجه بر این که کاملاً آگاه هستند که رژیم اسلامی جنایتکار است و تابع هیچ اصول و قوانین انسانی و اجتماعی نیست.

تحقق خواستهای کارگران و سایر جنبشهای اجتماعی تنها از طریق سرنگونی این نظام فاسد و سرکوبگر مافیائی با یک انقلاب اجتماعی امکان پذیر است.

گزارشگران: تاریخچه جنبش کارگری پیوسته با مقوله ای به نام فرقه گرائی روبه رو بوده است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباطات با جنبش کارگری در کشورمان حضور آن را محسوس می دانیم؟

ک - الوند : افت و خیزهای جنبش کارگری را نباید فرقه گرائی ارزیابی کرد. درست است که جنبش کارگری در سهم وری از تولید اجتماعی در درون خود با هم تضاد دارند ولی این تضاد انتاگونستی نیست در این راستا منطقی نیست که این ناهمگونی را فرقه گرائی درون جنبش کارگری ارزیابی کنیم.

مبارزات جنبش کارگری را در دو حوزه می توان تعریف کرد در حوزه مطالبات اقتصادی و در حوزه مطالبات سیاسی. جنبش کارگری بخشی از جنبش اجتماعی است بالطبع برای رسیدن به منافع اقتصادی خود همانطور که در بالا اشاره نمودم با توجه به شرایط اجتماعی مبارزه نیازمند نهاد هائستی تا از منافع اقتصادی اش در مقابل طبقه حاکم و مسلط دفاع کند. چنین نهاد هائی فقط و فقط از درون جنبش کارگری بر پایه ملزومات و خواست های اقتصادی و در نهایت سیاسی شکل می گیرد.

جنبش کارگری در گام نخست نیازمند ایجاد تشکل های صنفی و به موازات آن نیازمند ایجاد نهاد های سیاسی از میان فعالان و نمایندگان گرایشهای مختلف درون خود است.

آیا در صفوف کارگران برای ایجاد این نهادها اختلاف یا فرقه گرائی هست؟ الزاماً ارزیابی من اینگونه نیست جنبش کارگری اگر به آن درجه از رشد و بلوغ اجتماعی نرسیده که برای دفاع از منافع خود سازمان یافته عمل کند در این شرایط موقعیت و جایگاه این جنبش فقط در عرصه مطالبات اقتصادی فعلیت دارد، در عرصه اجتماعی فاقد هویت یک جنبش اجتماعی سازمانیافته است.

از نظر من منافع گروه ها و سازمان ها و احزابی که در خارج از جنبش کارگری شکل گرفتند و خود را نماینده کارگران می دانند و برای محق بودن میزان نمایندگی کارگران با هم در جدال هستند هیچ ارتباطی به جنبش کارگری ندارد. البته دفاع از حقوق کارگران در خارج از این جنبش هیچ اشکالی ندارد با این مضمون که در روند سازمانی آنها اختلال ایجاد نکنند.

دوران این نوع بحث ها که آگاهی را از بیرون به دورن طبقه کارگر باید برد سپری شده و ارزش و اعتبار خود را از دست داده است. یا ادعا های فاقد ارزش و معیارهای علمی و ضد متدولوژی مارکسی که برای طبقه کارگر باید حزب انقلابی ساخت. جریانها، گروه های سیاسی، سوسیالیستی یا غیر سوسیالیستی محق هستند از منافع هر طبقه و جنبش اجتماعی از جمله جنبش کارگری دفاع کنند اما محق نیستند خود را نماینده آنها جا بزنند و برای یک طبقه و

جنبش دستور العمل صادر کنند. در نتیجه نباید اختلافات این احزاب و سازمان ها را به پای فرقه گرائی جنبش کارگری نوشت.

گزارشگران: از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالان شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش می گویند. اما رد پای فرقه گرائی و مقاومت در برابر آن عربان و پنهان دیده می شود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه ئی در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می بینید؟

ک - الوند : انجام هر کاری بهتر از انجام ندادن آن کار است چون در پروسه عمل است که فرد یا یک جریان به درستی یا نادرستی کار خود پی می برد. به این اساس همبستگی در فعالیت، سیاستی منطقی تر و کارا تر از انشقاق و پراکندگی است و بی تردید تأثیر بیشتری در رسانه های خبری خواهد گذاشت
اما اگر سؤال شما عدم همبستگی در صفوف سازمانها و احزاب سیاسی طرفدار جنبش کارگری است باید عمل کردها و ظرفیت این چپ را در دفاع از جنبش کارگری مورد ارزیابی قرار داد .

در شرایط حاضر چپ دچار بحران هویت است و توان خود سازی و باز تولید برای بقای خود را ندارد. ریشه ها و علل این عدم همبستگی در صفوف چپ را باید در فرهنگ سیاسی این چپ واکاوی کرد. به باور من چپ ایران به لحاظ فرهنگ سیاسی حتی آنها که در جوامع پیشرفته مقیم هستند در دوران پیشا سرمایه داری زندگی می کنند به همین علت انعطاف نقد پذیری را ندارند در این راستا پرواضح است جواب بحران را با دامن زدن به بحران پاسخ می دهند و تنها راه برون رفت اختلافات سیاسی را در انشقاق خلاصه می کنند از ویژگی های فرهنگ پیشا سرمایه داری فرقه گرائی است که چپ ایران با توجه بر این که سالها است در جوامع رشد یافته فرهنگ سرمایه داری زندگی می کند ولی چون عادت به حفظ فرهنگ پیشا سرمایه داری دارد پاسخ ناهنجاری هویت سیاسی خود را در فرقه گرائی می جوید . چون فرقه گرائی موقعیت منافع فردی و جایگاه این نوع چپ را در قالب کدخدا -منشی در تشکیلات- تأمین میکند.

چپ ایران از بزرگ شدن تشکیلات با اشکال نوین گریزان است. بخشی از چپ در حوزه نظری گر چه تجدید نظرهای منطقی در ارزیابی و بازخوانی از مفاهیم و شناخت ضرورت های نوین جنبش مبارزاتی با بهره گیری از روش شناسی ، متدولوژی ، مارکسی رسیدند ولی نتوانسته اند آن را درحوزه تشکیلاتی ارتقاء و تعمیم دهند. نمونه بارز این چپ، سازمان راه کارگر، است به همین علت همواره هر اختلاف و بحران سیاسی و نظری را با انشعاب پاسخ می دهد.

بخش دیگری از چپ در دهکده های خود در اروپا با ذهنیت خیالبافی رویای ایجاد حزب سوسیالیستی انقلابی برای جنبش کارگری دارند. گروهی دیگر خواهان ساخت حزب انقلابی برای "طبقه کارگر" تصورات تئوری انقلابی را تنها داروی درمان هدایت طبقه کارگر به سرمنزل مقصود می دانند.

و تمام این اقدامات فقط در دایره ذهنیات این چپ برای رهایی طبقه کارگر حلقه می زند، از این منظر و جایگاه دیگر هیچ فضائی برای فرقه های دیگر که خود را مالک و وارث بخشی از مبارزه کارگری می دانند قائل نیستند کار سیاسی مستلزم تشکیلات سیاسی جهت پاسخگویی به مطالبات عام و خاص در دوره های همگون و ناهمگون مبارزات اجتماعی است . اما چپ ایران در این سطح از بلوغ سیاسی نرسیده که بپذیرد دوران تشکل های فرقه ئی به

پایان رسیده است و نیاز به بازنگری و بازخوانی نگرشی دیگر از سازماندهی که در برگیرنده منافع همه جنبش های اجتماعی باشد، است.

ادامه این روش در نهایت به فرسودگی چپ منتهی می شود همانطور که مشاهده می کنید نیروهای چپ پراکنده قابلیت دفاع مؤثر در حوزه رسانه ئی از مبارزات کارگری را ندارند. عدم همکاری و همبستگی نیروهای چپ در نهایت به ضرر جنبش کارگری و به ضرر خود چپ خواهد بود.

چپ ایران جهت استمرار مبارزه برای بدیل سوسیالیستی باید آینده نگر باشد و با فرهنگ سیاسی تفرقه و فرقه گرایانه مبارزه کند و بنای جدیدی از اشکال سازمانیابی را در دستور کار خود قرار دهد .

گزارشگران: پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

ک - الوند : شاید کمی دور از ذهن باشد ولی برای برون رفت از پراکندگی و برداشتن موانع برای همبستگی تنها راه حل انحلال همه جریانهای سیاسی مدعی چپ با هر نام و فرقه و ایجاد یک تشکیلات واحد و فرا گیر تحت نام "اتحاد سوسیالیست ها برای دفاع از منافع جنبش اجتماعی در ایران" است

به اعتقاد من مبارزه در شرایط حاضر با رشد تکامل ابزار تولید از مرحله مبارزه طبقاتی به یک جنبش فراطبقاتی "جنبش اجتماعی" تبدیل شده است.

مبارزه علیه سرمایه داری و رسیدن به جامعه سوسیالیستی به یک امر اجتماعی تبدیل شده و اشکال نوینی از مبارزه شکل گرفت مثل مبارزه جنبش زنان ، جنبش محیط زیست، جنبش دانشجویان ، و جنبش های اجتماعی دیگر، جنبش کارگری هم جزئی از این مبارزه اجتماعی است در این راستا نیاز به اشکال جدید سازمان یابی است که بتواند پاسخ این مرحله از مبارزه را بدهد.

چپ در موقعیت فعلی می تواند برای ادامه مبارزه بر محور دو خواست سیاسی همکاری بدون قید شرط های برنامه سازمانی از پیش تعیین شده داشته باشند

۱- سرنگونی جمهوری جنایت اسلامی از طریق یک انقلاب اجتماعی

۲- بدیل سوسیالیستی برای حاکمیت بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی

با سپاس از شما و امید که کارگران و حامیان راستین کارگران ایران موفق باشند.

۱۷/۱۱/۱۹

گزارشگران